

# این آقا رییس جمهور است، نه اندیکاتورنویس

دکتر انور خامه ای

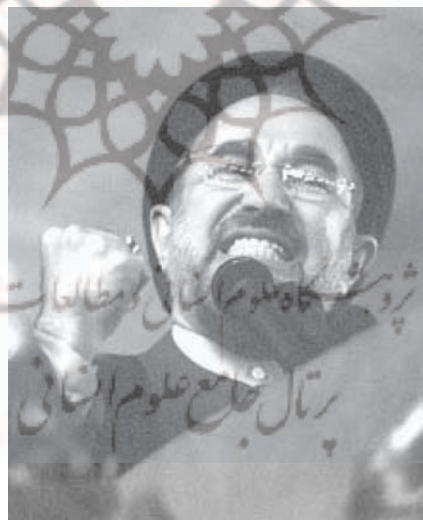
## نقص بنیادی استدلال ریاست قوه قضاییه در مورد محدوده

### اختیارات رییس جمهور ناشی از بی توجهی به جنبه های

### مردم سالارانه قانون اساسی کشور است

از اصول هشتاد و چهارم و هشتاد و ششم قانون اساسی است و جرم محسوب می شود. چون مطابق اصل هشتاد و چهارم "هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در تمام مسایل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند" و اصل هشتاد و ششم مقرر می دارد که "نمایندگان مجلس، در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملا آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند، تعقیب یا توقیف کرد." بنابراین احضاریه ها و احکامی که برای نمایندگان مجلس ششم به مناسبت نطق های پیش از دستور، ضمن دستور یا نطق های دیگری که به نحوی از انحاء در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود ایراد کرده اند، فرستاده یا صادر شده تخلف از قانون محسوب و ابطال می شود و قضات صادرکننده آنها نیز باید مورد تعقیب قانونی قرار گیرند.

گرفته اند و پرونده های آنان مراحل تکمیلی خود را می گذرانند و بیم آن می رود که اگر چاره ای برای حل این مشکل اندیشیده نشود در آینده ای نزدیک اکثریت نمایندگان دوره ششم قانون گذاری محکوم و زندانی شوند بگونه ای که جلسات مجلس ششم به جای تشکیل در



یکی از مسایل مهم کنونی کشور ما "اخطار قانون اساسی" جناب آقای سید محمد خاتمی ریاست جمهوری اسلامی ایران به حضرت آقای آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی ریاست قوه قضاییه جمهوری اسلامی و پاسخ ایشان به اخطار مزبور و تفسیرهایی است که در مورد هر دو نامه در مطبوعات و رسانه های داخلی و خارجی بازتاب یافته است.

ماجرا بدین نحو آغاز شد که تقریباً از آغاز افتتاح دوره ششم قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، چنین به نظر می رسید که قوه محترم قضاییه پیش را سخت توی کفش قوه مقننه کرده و با آنکه هزاران پرونده معوقه سال هاست در مجتمع های قضایی روی هم خوابیده و فریاد شکایت مؤدیان آنها برای تعیین تکلیفشان به جایی نمی رسد، عده ای از قضات محترم منظمًا گوش به زنگ نشسته اند تا ببینند یا بشنوند که یکی از نمایندگان قوه مقننه در نطق های قبل از دستور یا ضمن دستورشان چه می گویند و کدام گوشه این سخنان با شرع مقدس اسلام یا بنیاد نظام جمهوری اسلامی مختصراً اصطکاکی پیدا می کند تا فوراً حکم احضار و تعقیب آن نماینده را صادر کنند و این پرونده را به قید دو فوریت به جریان بیندازند و حضوراً یا غیاباً نسبت به متهم حکم محکومیتش را صادر کنند. فریاد اعتراض و شکایت نمایندگان متهم و محکوم هنوز به جایی نرسیده است و تاکنون بیست و دو نفر از نمایندگان تحت اتهام یا محکومیت قرار

ساختمان های قدیم یا جدید آن، ناگزیر در زندان اوین یا یکی از زندان های دیگر برگزار شود!! خطر چنین فاجعه عظیمی، ریاست محترم جمهوری را، با وجود علاقه شدیدشان به تساهل و تسامح، سرانجام وادار ساخت طبق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رییس محترم قوه قضاییه اخطار کند که این اقدامات قضات محترم تخلف

در برابر این اخطار و تذکر ریاست محترم جمهوری اسلامی، جناب آقای آیت الله شاهرودی رییس محترم قوه قضاییه به جای قبول و دفع تخلفات مورد نظر ریاست جمهوری به رد آن و مباحثه درباره صحت اقدامات قوه قضاییه پرداخته و نامه مشروحی در پاسخ به اخطار مزبور برای ریاست جمهوری فرستاده اند. ماحصل این نامه این است که ریاست جمهوری نه حق اخطار و تذکر به قوه

قضاییه را داشته و نه حق تاسیس "هیأت پی گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی" را چون "مطابق بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نظارت بر حسن اجرای قوانین از وظایف قوه قضاییه" است نه ریاست جمهوری و رییس جمهور چنین حقی ندارد، بلکه موظف است در رابطه با دیگر قوا و نهادها... شرایط و مقدمات لازم را جهت اجرا و احیای آن قوانین که در اختیار او می باشد، مهیا کرده و در صورت عدم اجرا تذکر دهد.

مختصر این که به نظر رییس محترم قوه قضاییه، تشخیص تخلفات از کلیه قوانین منجمله قانون اساسی و تعیین متخلف و تشخیص حسن اجرای آنها از وظایف قوه قضاییه است و قوه مجریه فقط موظف است وسایل این کار را در اختیار قوه قضاییه و نهادهای دیگر (منهای قوه مجریه) قرار دهد. وظیفه رییس جمهور هم این است که اگر اجزا و اعضای قوه مجریه در تهیه این وسایل و اجرای دستورهای قوه مجریه و غیره قصور کرده باشد آنها تذکر دهد و اخطار کند. به عبارت دیگر، به عنوان مثال، اگر یکی از کارمندان دولت مرتکب اختلاس یا ارتشاء شد، فقط قوه قضاییه حق دارد این تخلف را تشخیص دهد و جهت رفع و مجازات آن دستور لازم را صادر کند، مثلا حکم تعقیب یا بازداشت او را صادر کند. وظیفه قوه مجریه فقط اجرای این دستور است، یعنی مثلا بازداشت آن کارمند و تحویل او به قوه قضاییه و وظیفه رییس قوه مجریه یعنی رییس جمهور هم این است که مواظب باشد مامور هر چه زودتر متهم را بازداشت و تحویل دهد و اگر یک روز دیر کرد، به او تذکر و اخطار قانونی بدهد!

ملاحظه می فرمایید آقای رییس محترم قوه قضاییه تا چه حد وظایف رییس جمهور و قوه مجریه را پایین آورده و اختیارات قوه قضاییه را بالا برده است.

مطابق این تفسیر رییس محترم قوه قضاییه، وظایف رییس جمهور یعنی شخص دوم کشور پس از مقام معظم رهبری، کسی که ۲۲ میلیون از مردم ایران یعنی ۷۷ درصد ملت او را برگزیده اند، به حد یک اندیکاتورنویس دبیرخانه یک موسسه، پایین می آید! چون این

کارمند هم موظف است نامه یا دستور رییس موسسه یا یک مقام بالاتر را بگیرد، ثبت و شماره گذاری کند و برای ارسال یا ابلاغ به مستخدم بدهد. اگر قرار باشد رییس جمهور هیچ وظیفه دیگری جز نظارت بر حسن اجرای دستورها و تصمیم های قوه قضاییه و نهادهای دیگر نداشته باشد، واقعا فرق او با این کارمند دبیرخانه چیست؟ تازه این کارمند دست کم یک مستخدم در اختیار دارد که او امر او را اجرا کند، در حالی که رییس جمهور ما بیشتر نیروهایی را که وسیله اجرای تصمیمات هستند، مانند نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کلیه نیروهای نظامی و انتظامی نیز در اختیار ندارد!!

اگر وظایف رییس جمهور این اندازه پایین و فرعی است، اصلا چرا میلیاردها تومان صرف انتخاب او می کنیم؟! چرا مردم و ملت را به زحمت می اندازیم و به پای صندوق های رای می آوریم؟! چرا این کارناوال انتخابات را برپا می کنیم؟! آیا در چنین صورتی بهتر نیست رهبر معظم نظام همان گونه که یک نفر را به عنوان رییس قوه قضاییه معین می کند، یکی را هم به مقام رییس قوه مجریه منصوب سازد؟! اما آن وقت از مردم سالاری چه باقی خواهد ماند؟ از شعار آزادی که مردم در انقلاب اسلامی ما آن گونه برای آن جان فشانی کردند و قربانی ها دادند، چه بر جای خواهد ماند؟! از کلام پر محتوای پیشوای انقلاب امام راحل (ره) که فرمود "میزان رای ملت است" چه سودی برده ایم و چگونه آن را نصب العین خویش ساخته ایم؟!!

نه، جناب آقای آیت الله شاهرودی، نقش و وظایف رییس جمهوری اسلامی این اندازه پایین نیست که جنابعالی تصور فرموده اید. مطابق اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی "رییس جمهور پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسؤلیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد."

جنابعالی کلمات "اجرا" و "مجری" را از این اصل گرفته و تفسیر به رای فرموده اید. اما توجه به اینکه همین دو کلمه در مورد رهبر معظم نظام

هم به کار برده شده است، نکرده اید.

اگر استدلال شما درست باشد، رهبر معظم نظام هم باید در مورد وظایفی که بر عهده ایشان است، تحت نظارت جنابعالی باشند در حالی که شما منصوب ایشان هستید!

چرا در قانون اساسی نام رییس جمهور را پهلوی نام آن مقام معظم و پس از ایشان "عالی ترین مقام رسمی کشور" ذکر کرده اند؟! برای اینکه رییس جمهور منتخب ملت و مستظهر به نیروی مردم است."

نقص بنیادی استدلال جنابعالی در بی توجهی به جنبه مردم سالارانه نظام جمهوری اسلامی و بی اعتنائی به آرای ملت است. ممکن است جنابعالی مردم را عوام کالانعام فرض فرموده باشید و حضور میلیونی آنها را در پای صندوق های رای برای انتخاب رییس جمهور مانند گله گوسفندانی که چشم و گوش بسته به آغل می روند تصور نموده باشید. اما واقعیت غیر از این است.

امروز مردم ایران با آن زمانی که آنها را عوام کالانعام می پنداشتند، بسیار فرق کرده اند. امروز اکثریت مطلق ملت ایران باسوادند و از حقوق انسانی خود آگاه. امروز میلیون ها دکتر و مهندس و کارشناس داریم و ده ها میلیون دیپلمه، لیسانسه و فوق لیسانس. امروز حتی آن بی سوادهایی هم که به پای صندوق رای می روند، می دانند برای چه می روند، می خواهند به چه کسی رای بدهند و از منتخب خود چه انتظاری دارند، امروز بحث و تفسیر بر سر کلمه های "نظارت" و "اجرا" دردی را دوانمی کند و نمی تواند روی منافع جناحی کسی را بپوشاند.

قوه قضاییه شما رای به بازداشت یا محکومیت هر نماینده ای که بدهد، دست کم ده ها هزار یا بیشتر کسانی را که به او رای داده اند، از دادگستری بی زار می سازد. اگر نمایندگانی که مورد علاقه یا هم سلیقه شما نیستند به زندان بیفکنید جز بیزار کردن مردم از قوه قضاییه و افزودن بر نارضایی و اعتراض مردم حاصلی نخواهید داشت. روزی خواهید فهمید که در گذشته باد کاشته اید و باید طوفان درو کنید!